

■ تأثیر آموزش عالی بر شایستگی‌های کانونی دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات: مورد پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد

غلامرضا حیدری | عبدالحسین فرج‌پهلوی | فریده عصاره | احسان گرابی

■ چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی شایستگی‌های کانونی دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات در سطح عمومی و سنجش میزان برخورداری دانشجویان کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه فردوسی مشهد از شایستگی‌های کانونی مورد نظر انجام شده است.

روش/ رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر از نوع نظری- کاربردی، و روش پژوهش سندی- تحلیلی و پیمایشی است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه فردوسی مشهد است که در سال ۱۳۹۰-۸۹ مشغول تحصیل بودند.

یافته‌ها: الگوی شایستگی کانونی بررسی شده در این پژوهش شامل دوازده شایستگی کانونی بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که در تمامی موارد دانشجویان نیم‌سال هشتم نسبت به دانشجویان نیم‌سال دوم وضعیت بهتری دارند و اختلاف بین آنها معنادار است.

نتیجه‌گیری: آموزش بر ارتقاء سطح شایستگی‌های کانونی طی نیم‌سال‌های مختلف تحصیلی اثرگذار بوده است. در پایان طراحی برنامه درسی براساس مدل مارپیچ مضاعف و با در نظر گرفتن شایستگی‌ها در دو سطح عمومی و تخصصی، به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی درسی در دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات پیشنهاد شد.

کلیدواژه‌ها

شایستگی‌های کانونی، آموزش کتابداری و علم اطلاعات، دوره کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تأثیر آموزش عالی بر شایستگی‌های کانونی دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات: مورد پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد

غلامرضا حیدری^۱ | عبدالحسین فرج‌پهلوی^۲ | فریده عصاره^۳ | احسان گرایی^۴

دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۲

مقدمه

میل به توسعه علمی و ورود به عرصه‌های جدید علم و دانش از یک سو، و هماهنگی با تحولات فناوری از سوی دیگر سبب شده که در چند دهه اخیر تلاش‌های بسیاری درباره وضعیت آموزش کتابداری و علم اطلاعات و ضرورت بازنگری و هماهنگ‌سازی محتوای رشته با نیازهای در حال تغییر جامعه اطلاعاتی در کشور انجام گیرد، و هر یک از پژوهشگران از زوایای گوناگونی به اظهار نظر درباره تغییر در نام و محتوای رشته و لزوم حذف یا افزودن برخی از درس‌ها به برنامه آموزشی پرداخته‌اند (فتاحی، ۱۳۷۹؛ فتاحی، دیانی، پربرخ، داورپناه، آزاد، ۱۳۸۴؛ حیدری، ۱۳۸۸ الف و ب؛ غیوری، ۱۳۸۸). هر چند پیشنهاد‌های ارائه شده غالباً بیانگر خلأهای موجود در برنامه درسی حوزه کتابداری و علم اطلاعات هستند و راهکارهایی نیز برای بخش‌های مغفول مانده در این برنامه ارائه می‌دهند، اما به نظر می‌رسد چیزی که در این بین نادیده گرفته شده، این است که دیدگاه‌ها و پیشنهاد‌های ارائه شده عمدتاً مبتنی بر اصول بنیادین و چارچوب نظام‌مند و پویا نیستند و بیشتر نشان‌دهنده علایق شخصی پژوهشگران و گاهی هم حاکم بودن نوعی فناوری‌زدگی است.

فتاحی (۱۳۷۹) بر این باور است که مهم‌ترین اقدامی که باید پیش از هر نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد نظام آموزشی صورت گیرد، روشن ساختن زیربنای نظری و فلسفی آموزش، و تدوین اصول و چارچوب فعالیت‌های آموزشی بر اساس همین زیربنای نظری

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و

دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران

ghrhaidari@gmail.com

۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانشگاه شهید چمران

farajpahlou@gmail.com

۳. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانشگاه شهید چمران osareh.f@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و

دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران

(نویسنده مسئول)

Ehsan.geraei@gmail.com

است، و برنامه‌ریزی‌های کلان و خُرد آموزشی هم باید بر مبنای اصول نظری انجام گیرد. به نظر می‌رسد که این گفتار در حد توصیه باقی مانده و کمتر کسی در پی کشف ارتباط دیدگاه‌های مطرح شده در مورد آموزش کتابداری و علم اطلاعات با مبانی فلسفی آموزش برآمده است. این در حالی است که (براساس آنچه که حیدری (۱۳۸۸ الف) نیز به آن اشاره کرده) دیدگاه‌ها و نظریه‌های بنیادین مختلفی درباره آموزش و آینده نظام آموزشی مطرح شده است، که با مراجعه به برخی از آنها می‌توان مبانی و الگوهای نظری آموزش را که متناسب با حوزه کتابداری و علم اطلاعات است شناسایی و پیاده‌سازی کرد.

یکی از دیدگاه‌های مطرح شده در مورد آموزش، دیدگاه آموزش مبتنی بر شایستگی^۵ و نظریه شایستگی‌های کانونی^۶ است که به نظر می‌رسد می‌توان از آن به عنوان مبنایی برای نظریه‌پردازی در آموزش کتابداری و علم اطلاعات استفاده کرد. شایستگی مجموعه‌ای از دانش، مهارت، و نگرش‌های مورد نیاز فرد برای فعالیت در عرصه‌های مختلف شغلی و فعالیت‌های زندگی است. نظریه شایستگی‌های کانونی حاصل بازنگری در وظایف دانشگاه باتوجه به تغییرات ایجاد شده در محیط پیرامونی آن است. گزاره محوری این نظریه این است که باتوجه به تغییراتی که در محیط پیرامونی دانشگاه و بالاخص در سازمان‌های اقتصادی و بازار کار ایجاد شده، باید علاوه بر کارکرد سنتی دانشگاه در انتقال دانش، مهارت‌هایی را به دانشجویان آموخت که به وسیله آنها بتوانند بر چالش‌های ناشی از تغییرات محیط پیرامونی غلبه کنند (شارع‌پور، فاضلی، و صالحی، ۱۳۸۰).

بررسی متون و تأمل درباره محتوای آموزش کتابداری و علم اطلاعات بیانگر این است که شایستگی‌های کانونی مورد نیاز دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات را می‌توان در دو سطح شایستگی‌های عمومی^۷ (مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان برای انجام فعالیت‌های شغلی‌شان، صرف‌نظر از این که در کجا مشغول به کار می‌شوند) و تخصصی (شایستگی‌های مربوط به علم و مدیریت فرآیند اطلاع‌رسانی) بررسی کرد. به دلیل ملزومات اخص‌نگری و محدودیت دامنه پژوهش، مطالعه همزمان این دو سطح در یک پژوهش امکان‌پذیر نیست. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است که در اولین گام ضمن بررسی گسترده متون حوزه شایستگی‌های کانونی و تحلیل محتوای آنها، الگویی برای تبیین شایستگی‌های کانونی مورد انتظار از دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات در سطح عمومی ارائه کند؛ و سپس براساس این الگو میزان برخورداری دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه فردوسی مشهد از شایستگی‌های مورد نظر را بسنجد. دو پرسش این پژوهش عبارتند از:

۱. مهم‌ترین شایستگی‌های کانونی مورد انتظار از دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات در سطح عمومی کدامند؟

5. Competency based education
6. Core competencies
7. Generic competencies

۲. میزان برخورداری دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه فردوسی مشهد از شایستگی‌های کانونی مورد انتظار در سطح عمومی تا چه حد است؟ اصطلاح شایستگی، جدید و مربوط به عصر حاضر است، اما مفهوم آن قدیمی است (فورنهام^۸، ۱۹۹۰، نقل در، کوپر^۹ و همکاران، ۱۹۹۸). کرسنید نیز همانند فورنهام بر این باور است که رویکرد «شایستگی»، رویکرد جدیدی نیست و رومی‌ها در تلاش برای دستیابی به صفات جزیی و تفضیلی سرباز رومی از آن استفاده می‌کردند (مک‌کیون^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ دراگندایز و منتزاس^{۱۱}، ۲۰۰۶). گرچه در مورد تاریخ دقیق شروع رویکرد شایستگی و شناسایی آن اتفاق نظر اندکی بین صاحب‌نظران وجود دارد، اما جملگی متفق‌القول هستند که ظهور آن مربوط به دهه‌های پایانی قرن بیستم است.

اصطلاح «شایستگی کانونی» اولین بار توسط سلزنیک^{۱۲} (۱۹۵۷) و با هدف ترسیم شایستگی‌های مشخصی که برای شرکت‌ها مزیت رقابت می‌آفریند، مطرح شد. پس از آن پراهلاد و همیل^{۱۳} (۱۹۹۰) نشان دادند که شایستگی‌های کانونی رابطه مثبتی با توان رقابتی شرکت‌ها دارند؛ و شایستگی کانونی مبتنی بر منابع انسانی یکی از عوامل کلیدی موفقیت سازمان در کسب مزایای راهبردی است (کتری^{۱۴}، ۲۰۰۰).

در حوزه پژوهش‌های علمی، مفهوم شایستگی نخستین بار توسط مک‌کلند^{۱۵} (روانشناس دانشگاه هاروارد) در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ مطرح شد (کوپر و همکاران، ۱۹۹۸). مک‌کلند (۱۹۷۳) شایستگی‌ها را از عوامل کلیدی می‌دانست که بر کارآیی یادگیری اثر می‌گذارد و نسبت به هوش برای پیش‌بینی خروجی یادگیری کارآمدتر است. از این رو در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری شایستگی به جای هوش»، به مفهوم شایستگی به عنوان ویژگی رفتاری و روان‌شناختی مرتبط با پیامدهای موفق در کار و زندگی می‌پردازد.

برنامه‌های آموزش مبتنی بر شایستگی، ابتدا در آمریکا و تحت تأثیر عواملی همچون معترضان اجتماعی^{۱۶}، مؤسسات خصوصی و دولتی، فناوری، گرایش‌های اجتماعی و روان‌شناسانه شکل گرفت که از این بین تأثیر دولت، فناوری، و گرایش‌های اجتماعی و روان‌شناسانه بیشتر از سایر عوامل بود (استوت و اسمیت^{۱۷}، ۱۹۸۶). مفهوم آموزش مبتنی بر شایستگی، به‌ویژه در آموزش حرفه‌ای و سطح بالای آموزشی دارای سابقه طولانی است و با آموزش معلمان در اواخر ۱۹۶۰ شروع شد؛ سپس در سایر آموزش‌های حرفه‌ای در سال ۱۹۷۰ رشد کرد و در برنامه‌های آموزش شغلی انگلستان و آلمان ۱۹۸۰ و آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای در سال ۱۹۹۰ در استرالیا به رسمیت شناخته شد (لونگ^{۱۸}، ۲۰۰۲).

با مرور ادبیات موضوعی مربوط به شایستگی‌ها و بررسی تعاریف ارائه شده در مورد شایستگی، اولین چیزی که به‌خوبی مشخص است، فقدان تعریف واحد و

8. Furnham

9. Cooper

10. McKeown

11. Draganidis and Mentzas

12. Selznick

13. Prahalad and Hamel

14. Khatri

15. McClelland

16. Social protests

17. Stout and Smith

18. Leung

اصطلاح‌شناسی معین در مورد شایستگی، و معنا و مفهوم آن است. به‌طور کلی با مقایسه تعاریف ارائه شده توسط نویسندگان مختلف، می‌توان این تعاریف را در پنج دسته کلی جای داد (کونه‌اوان^{۱۹}، ۲۰۰۳):

۱. شایستگی به‌عنوان توانایی عملکرد در سطحی مطلوب براساس یک استاندارد خاص. این تعریف به شایستگی به‌عنوان یک برون‌داد می‌نگرد. به‌عنوان مثال: «شایستگی توانایی انجام وظایف کاری یا شغلی براساس استانداردهای استخدامی» (فیلد و دریسدل^{۲۰}، ۱۹۹۱).
۲. شایستگی به‌عنوان توانایی انتخاب و استفاده از ویژگی‌هایی (دانش، مهارت‌ها، و نگرش‌ها) که برای عملکرد در سطح مطلوب مورد نیاز است. مثلاً: «یک شخص شایسته، در یک بافت (موقعیت) معین می‌تواند از مجموعه‌ای از رفتارهای موجود یکی را برگزیند و رفتارهای مناسب را به‌منظور رسیدن به یک هدف خاص به‌کار گیرد» (کیرشنر و دیگران^{۲۱}، ۱۹۹۷).

۳. شایستگی به‌عنوان داشتن ویژگی‌های خاص (دانش، مهارت، و نگرش‌ها)، یا شایستگی به‌عنوان یک درون‌داد. مثلاً: «شایستگی تصویری از دانش، مهارت‌ها، و توانایی‌های موردنیاز برای عملکرد حرفه‌ای را نشان می‌دهد» (ای.ای.پی.ای^{۲۲}، ۱۹۹۶).

۴. شایستگی به‌عنوان توصیف محض آنچه که یک فرد می‌تواند انجام دهد. این تعریف نیز به شایستگی به چشم یک برون‌داد می‌نگرد. مثلاً: «شایستگی یک عمل، رفتار یا برون‌داد است که فرد بایستی بتواند به نمایش گذارد» (گراوان و مک‌گیور^{۲۳}، ۲۰۰۱).

۵. بیشتر تعاریف مفصل شایستگی، شامل عناصری از چهار گروه بالا هستند. مثلاً: «شایستگی توانایی یک فرد یا سازمان برای رسیدن به دستاوردهای خاص است. شایستگی‌های فردی شامل: توانایی‌های عملکردمحور یکپارچه است که خود شامل خوشه‌هایی از ساختارهای دانش و نیز توانایی‌های شناختی، تعاملی و مؤثر، و توانایی‌های روانی لازم و نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که برای انجام وظایف، حل مسائل، و به‌طور کلی عملکرد مؤثر در یک حرفه خاص، سازمان، موقعیت یا نقش لازم است» (مالدر^{۲۴}، ۲۰۰۱).

اساس رویکرد آموزش مبتنی بر شایستگی، پرهیز از تمرکز صرف بر آموزش کاربردی^{۲۵} و رشته‌ای، و توجه همزمان به پرورش توانایی‌های پایه و مهارت‌های عمومی‌ای همچون حل مسئله، ارتباطات، مدیریت اطلاعات، تعامل اجتماعی و رهبری است. یادگیری از این نوع دو هدف دارد: نخست، کسب دانش و مهارت‌های رشته‌ای خاص حوزه^{۲۶}، و دوم، کسب دانش و مهارت‌های مستقل از حوزه^{۲۷}. ترکیب و ادغام این دو بُعد است که می‌تواند به بهترین شکل، دانشجویان را برای مقابله با موقعیت‌های کاری تخصصی و سایر موقعیت‌های شغلی دیگر آماده کند.

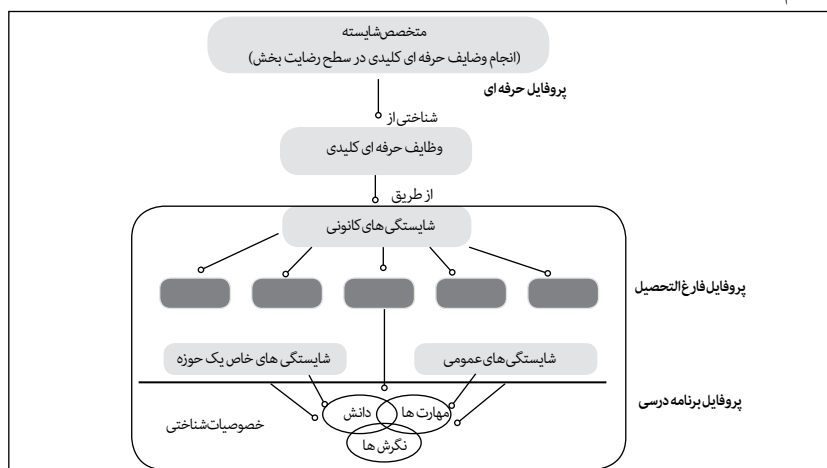
- 19. Kouwenhoven
- 20. Field and Drysdale
- 21. Kirschner et al.
- 22. AAPA (American Academy of Physician Assistants)
- 23. Garavan and McGuire
- 24. Mulder
- 25. Functional
- 26. Specific-domain
- 27. Independent-domain

مفهوم عام، کلی و عمومی شایستگی را می‌توان از طریق «شایستگی‌های کانونی» به شایستگی‌ها متصل کرد (تصویر ۱). شایستگی‌های کانونی، مجموعه‌ای از شایستگی‌های مورد نیاز برای شناخت وظایف شغلی مهم در سطح رضایت‌بخش یا ممتاز تعریف شده است. به عبارتی، شایستگی‌های کانونی مستقیماً با وظایف کلیدی شغلی و خوشه‌های شایستگی‌های عمومی و شایستگی خاص هر حوزه در ارتباط هستند.

در این مدل شایستگی‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: یکی شایستگی‌هایی موسوم به شایستگی‌های یک حوزه خاص که مربوط به دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که فرد از طریق یک حوزه مطالعاتی خاص برای فعالیت در یک حرفه کسب می‌کند؛ و دیگر شایستگی‌هایی تحت عنوان «شایستگی‌های عمومی» است. علت این نام‌گذاری این است که این شایستگی‌ها برای همه حوزه‌های مطالعاتی ضروری‌اند و قابلیت استفاده در موقعیت‌های جدید شغلی را دارند (مهارت‌های انتقال‌پذیر).

در تدوین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، یک توالی دنبال می‌شود. به این شکل که ابتدا پروفایل شغلی تنظیم می‌شود، آنگاه وظایف شغلی مهم به دنبال آن می‌آیند و در انتها پروفایل فارغ‌التحصیل متشکل از شایستگی‌های کانونی (انتخاب شده) قرار گرفته که ارتباط مستقیمی با پروفایل شغلی دارد. در پروفایل برنامه درسی، سطح نهایی کسب شده توسط فارغ‌التحصیلان براساس استانداردهای شایستگی‌های هر دو گروه (شایستگی‌های عمومی و شایستگی‌های خاص هر حوزه) سنجیده می‌شود.

آنچه مشخص است این است که امروزه نظریه شایستگی‌های کانونی در بسیاری از حوزه‌های دانش مورد توجه قرار گرفته است (شهبازی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵؛ قلجی، ۱۳۸۷؛ مظلوم، ۱۳۸۷؛ فیض و بهادری‌نژاد، ۱۳۸۹).



تصویر ۱

رابطه بین شایستگی، شایستگی‌های کانونی و شایستگی‌های سازنده آن (عمومی و اختصاصی) (کونهاون، ۲۰۰۳)

نگاهی به ادبیات حوزه کتابداری و علم اطلاعات در خارج از کشور حاکی از این است که مطالعات بسیاری درباره شایستگی‌ها کانونی مورد نیاز کتابداران و متخصصان اطلاعات و دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات انجام شده است، اما در داخل کشور علی‌رغم اهمیت موضوع، بررسی شایستگی‌های کانونی مورد نیاز دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات به‌طور اخص و با این عنوان اساساً مورد توجه قرار نگرفته است. از میان پژوهش‌های انجام شده تنها چند مورد اشاره‌ای به مهارت‌های اساسی مورد نیاز کتابداران و متخصصان اطلاعات داشته‌اند، اما نه تحت عنوان شایستگی‌های کانونی (حیدری، ۱۳۸۸ الف؛ منصوریان، ۱۳۸۸)، و تنها پژوهش حیاتی (۲۰۰۸) است که به بررسی شایستگی‌های لازم برای کتابداران کتابخانه‌های عمومی از دیدگاه مدیران ارشد آنها پرداخته است.

میدلتون^{۲۸} (۲۰۰۳) در پژوهشی به ارزیابی میزان تسلط فارغ‌التحصیلان دوره‌های مختلف کتابداری دانشگاه فناوری کوینزلند^{۲۹} بر مهارت‌های مورد انتظار از آنها پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از تسلط بالای فارغ‌التحصیلان در حوزه «ارتباطات»، و ضعف کتابداران در حوزه «پژوهش» بود. چان‌لین (۲۰۰۹) نیز به تدوین چارچوبی برای ارزشیابی شایستگی‌های دانشجویان کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه کاتولیک فیو-جن پرداخت و نتایج پژوهش وی نشان داد که هیچ تفاوتی بین مهارت «سواد رایانه‌ای»^{۳۰} دانشجویان سال‌های تحصیلی مختلف وجود ندارد، چرا که امروزه این مهارت جزء مهارت‌های عمومی در کتابداری و علم اطلاعات است.

شارع‌پور، فاضلی، و صالحی (۱۳۸۰) در پژوهشی به سنجش میزان برخورداری دانشجویان سه دانشگاه تهران، صنعتی شریف، و مازندران از شایستگی‌های کانونی پرداختند. تحلیل شایستگی‌های کانونی دانشجویان سه دانشگاه تحت بررسی، بیانگر پایین بودن سطح تسلط آنان بر شایستگی‌های کانونی بود. همچنین مشخص شد که توانایی دانشجویان در شایستگی «جمع‌آوری، سازمان‌دهی، و تجزیه و تحلیل اطلاعات» رضایت‌بخش نیست. توانایی «حل مسئله» هم یکی از ضعیف‌ترین مهارت‌های دانشجویان بود. در پژوهشی دیگر، دیانی (۱۳۸۱) ابراز داشت که میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی طی دوران تحصیلی افزایش یافته است. وی بر این باور است که تنوع، جذابیت و قدری دشوارتر شدن واحدهای درسی در سال‌های سوم و چهارم، در افزایش تمایل دانشجویان به رشته و تغییر نگرش آنها مؤثر بوده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع نظری-کاربردی، و روش پژوهش سندی-تحلیلی و پیمایشی

28. Middleton
29. Queensland University of
Technology (QUT)
30. Computer literacy

است. زیرا پژوهشگر با مطالعه متون و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تأمل بر آنها ابتدا به شناسایی و تدوین فهرستی از مهم‌ترین شایستگی‌های کانونی در سطح عمومی پرداخته، و سپس با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته میزان برخورداری دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی از شایستگی‌های کانونی را سنجیده است. پرسشنامه پژوهش مشتمل بر ۱۰۸ گویه بود که در دوازده شایستگی کانونی دسته‌بندی شدند. از آنجایی که پرسشنامه براساس طیف پنج ارزشی لیکرت تهیه شده، نمره ۹ کمترین و نمره ۴۵ بیشترین نمره‌ای است که هر فرد می‌تواند در هر شایستگی کسب کند. از این‌رو، به‌منظور انجام تحلیل‌های بیشتر نمره میانگین هر یک از شایستگی‌های کانونی که معادل ۲۷ بود به‌عنوان میانگین متوسط در نظر گرفته شد.

معیار سنجش شایستگی‌های کانونی دانشجویان، قضاوت آنها درباره شایستگی‌هایشان است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد است که در سال ۱۳۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. به دلیل محدود بودن جامعه پژوهش، پرسشنامه بین تمامی افراد جامعه توزیع شد و در نهایت تعداد ۸۷ پرسشنامه گردآوری شد (جدول ۱).

دانشگاه	جنسیت		نیمسال تحصیلی					جمع کل
فردوسی مشهد	زن	مرد	دوم	چهارم	ششم	هشتم	جمع	۸۷
	۲۳	۲	۱۷	۱	۱	۲۱	۸۳	
						-	۴	

جدول ۱

توزیع آماری جامعه پاسخ‌گوی پژوهش
به تفکیک دانشگاه، جنسیت
و نیمسال تحصیلی

به‌منظور حصول اطمینان از روایی محتوایی پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه موردنظر به ۹ نفر از استادان و صاحب‌نظران کتابداری و علم اطلاعات و ۲ نفر از استادان گروه‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی داده شد. پس از دریافت نظرات آنها و اعمال تغییرات مورد نیاز، نسخه نهایی پرسشنامه تدوین شد. به‌منظور سنجش پایایی آن، پرسشنامه پژوهش بین ۳۰ نفر از دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات توزیع و آلفای کرونباخ آن محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای هر یک از خرده مقیاس‌ها (شایستگی‌های کانونی)، از سطح قابل قبولی برخوردار بود (جدول ۲).

خرده مقیاس	آلفای کرونباخ
فناوری اطلاعات	۰/۸۹
سواد رایانه‌ای	۰/۸۹
زبان انگلیسی	۰/۸۸
تعهد و اخلاق حرفه‌ای	۰/۸۳
مدیریت	۰/۸۹
اصول نگارش و پژوهش	۰/۸۹
دانش و مهارت‌های ارتباط	۰/۸۳
فلسفه علم (مباحث نظری و پایه رشته‌ای تحصیلی خود)	۰/۸۹
آینده‌نگری (درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت‌گیری مثبت نسبت به آن)	۰/۸۸
کار گروهی	۰/۷۵
سواد اطلاعاتی	۰/۸۶
تفکر انتقادی	۰/۸۷

جدول ۲
آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها (شایستگی‌های کانونی)

یافته‌های پژوهش
داده‌های جدول ۳ حاکی از آن است که میانگین نمرات کسب شده توسط دانشجویان نیمسال هشتم در تمامی شایستگی‌های کانونی نسبت به سایر دانشجویان بیشتر است.

شایستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد	شایستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد
قناوری اطلاعات	دوم	۲۷/۲۰	۵/۶۱	سواد رایانه‌ای	چهارم	۳۰/۹۴	۵/۲۴
	چهارم	۳۰/۹۴	۵/۲۴		ششم	۳۶/۶۹	۵/۱۵
	ششم	۳۶/۶۹	۵/۱۵		هشتم	۳۶/۸۶	۶/۴۴
	هشتم	۳۶/۸۶	۶/۴۴		دوم	۲۴/۹۶	۴/۴۱
زبان انگلیسی	دوم	۲۴/۹۶	۴/۴۱	تعهد و اخلاق حرفه‌ای	چهارم	۲۶/۲۲	۴/۶۰
	چهارم	۲۶/۲۲	۴/۶۰		ششم	۳۰/۹۱	۷/۴۵
	ششم	۳۰/۹۱	۷/۴۵		هشتم	۲۹/۵۷	۵/۵۲
	هشتم	۲۹/۵۷	۵/۵۲		دوم	۲۰/۶۴	۳/۹۵
مدیریت	دوم	۲۰/۶۴	۳/۹۵	اصول نگارش و پژوهش	چهارم	۲۴/۲۷	۲/۹۹
	چهارم	۲۴/۲۷	۲/۹۹		ششم	۳۱/۰۸	۴/۶۳
	ششم	۳۱/۰۸	۴/۶۳		هشتم	۳۵/۴۲	۷/۶۴
	هشتم	۳۵/۴۲	۷/۶۴		دوم	۲۶/۶۸	۵/۴۲
دانش و مهارت‌های ارتباطی	دوم	۲۶/۶۸	۵/۴۲	فلسفه علم (مباحث نظری و پایه رشته تحصیلی خود)	چهارم	۳۰	۵
	چهارم	۳۰	۵		ششم	۲۷/۵۶	۶/۱۹
	ششم	۲۷/۵۶	۶/۱۹		هشتم	۳۵/۴۲	۴/۶۷
	هشتم	۳۵/۴۲	۴/۶۷		دوم	۲۵/۷۶	۵/۱۵
	دوم	۲۵/۷۶	۵/۱۵		چهارم	۲۹/۴۴	۵/۱۴
	چهارم	۲۹/۴۴	۵/۱۴		ششم	۳۲/۹۱	۴/۴۶
	ششم	۳۲/۹۱	۴/۴۶		هشتم	۳۷/۷۱	۵/۶۳
	هشتم	۳۷/۷۱	۵/۶۳				

جدول ۳
میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به شایستگی‌های کانونی، به تفکیک نیمسال تحصیلی

ادامه جدول ۳

میانگین و انحراف معیار نمره‌های
مربوط به شایستگی‌های کانونی، به
تفکیک نیمسال تحصیلی

شایستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد	شایستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد
آینده‌نگری (درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت‌گیری مثبت نسبت به آن)	دوم	۲۷/۶۴	۶/۲۹	کارگروهی	دوم	۲۴/۲۰	۳/۴۱
	چهارم	۳۳	۷/۳۰		چهارم	۲۵/۰۵	۴/۶۸
	ششم	۲۸/۱۷	۸/۲۱		ششم	۳۳	۳/۸۲
	هشتم	۳۶/۱۴	۲/۹۷		هشتم	۳۶/۱۴	۲/۹۷
سواد اطلاعاتی	دوم	۲۴/۵۶	۳/۹۷	تفکر انتقادی	دوم	۲۰/۴۴	۴/۳۲
	چهارم	۲۸/۳۳	۴/۱۸		چهارم	۲۱/۷۲	۴/۲۲
	ششم	۳۶/۹۵	۵/۰۱		ششم	۲۸/۴۳	۷/۹۸
	هشتم	۳۶/۷۱	۵/۶۳		هشتم	۴۴/۱۴	۱۶/۸۹

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود مقدار F شاخص‌های چهارگانه تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)، تفاوت معناداری را بین متغیر مستقل نیمسال تحصیلی و متغیر وابسته شایستگی‌های کانونی نشان می‌دهد ($p < ۰/۰۵$). این امر حاکی از اختلاف بین میانگین متغیرها بود، از این رو تحلیل‌های بعدی با هدف یافتن تفاوت میانگین‌ها در سطوح مختلف انجام شد.

نام آزمون	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری
Pillar's Trace	۱/۵۰	۵/۶۷	۳۹	۲۱۹	۰/۰۰۱
Wilk's Lambda	۰/۰۶۳	۸/۳۵	۳۹	۲۱۰	۰/۰۰۱
Hostelling's Trace	۶/۷۴	۱۲/۰۴	۳۹	۲۰۹	۰/۰۰۱
Roy's Largest Root	۵/۴۵	۳۰/۶	۱۳	۷۳	۰/۰۰۱

جدول ۴

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا) برای
مقایسه شایستگی‌های کانونی در دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

با هدف یافتن اینکه تفاوت‌ها در کدام یک از شایستگی‌های کانونی معنی‌دار است، از آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین شایستگی‌های کانونی دانشجویان نیمسال‌های مختلف تحصیلی، در تمامی موارد به استثنای شایستگی تفکر انتقادی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۵).

شایستگی کانونی	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری
فناوری اطلاعات	۱۵۴۰/۶۷	۳	۵۱۳/۵۵	۱۶/۱۶	۰/۰۰۱
سواد رایانه ای	۱۶۸۳/۹۸	۳	۵۶۱/۳۲	۱۷/۶۷	۰/۰۰۱
زبان انگلیسی	۵۳۴/۲۲	۳	۱۷۸/۰۷	۵/۵۵	۰/۰۰۲
تعهد و اخلاق حرفه ای	۱۳۴۱/۷۱	۳	۴۱۳/۹۰	۱۳/۴۵	۰/۰۰۱
مدیریت	۳۶۱۰/۷۰	۳	۸۷۰/۲۳	۲۹/۹۵	۰/۰۰۱
اصول نگارش و پژوهش	۳۹۷۵/۰۳	۳	۹۹۱/۶۸	۳۵/۹۶	۰/۰۰۱
دانش و مهارت های ارتباطی	۱۷۵۳/۱۱	۳	۵۸۴/۳۷	۲۲/۴۶	۰/۰۰۱
فلسفه علم (مباحث نظری و پایه رشته تحصیلی خود)	۱۰۳۳/۵۸	۳	۳۴۱/۱۹	۱۱/۷۳	۰/۰۰۱
آینده نگری (درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت گیری مثبت نسبت به آن)	۱۰۳۹/۰۷	۳	۳۶۴/۳۵	۸/۵۹	۰/۰۰۱
کار گروهی	۳۲۶۵/۵۸	۳	۷۵۵/۱۹	۵۴/۴۳	۰/۰۰۱
سواد اطلاعاتی	۲۶۴۰/۱۱	۳	۸۸۰/۰۳	۳۹/۱۵	۰/۰۰۱
تفکر انتقادی	۷۵۸۹/۶۱	۳	۲۵۳۹/۸۷	۲۶/۷۰	۰/۱۶۱

جدول ۵

نتایج تحلیل واریانس تک متغیری برای
مقایسه شایستگی های کانونی در
دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

برای اینکه دقیقاً مشخص شود بین کدامیک از نیمسال تحصیلی تفاوت وجود دارد، از
آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

شایستگی کانونی	نیمسمل تحصیلی	شاخص‌های آمار یگروه‌های مقایسه (نیمسال تحصیلی)	تفاوت میلیگن‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی داری
فناوری اطلاعات	دوم	چهارم	-۳/۷۴	۱/۷۴	۰/۲۱
		ششم	-۹/۴۹ [°]	۱/۶۲	۰/۰۰۱
		هشتم	-۹/۶۵ [°]	۱/۶۶	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۵/۷۵ [°]	۱/۷۷	۰/۰۱۹
		هشتم	-۵/۹۱ [°]	۱/۸۱	۰/۰۱۸
	ششم	هشتم	-۰/۱۶	۱/۷۰	۰/۹
سواد رایانه‌ای	دوم	چهارم	-۳/۱۱	۱/۷۴	۰/۳۶
		ششم	-۷/۱۰ [°]	۱/۶۲	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۱/۵۵ [°]	۱/۶۶	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۳/۹۸	۱/۷۷	۰/۱۷
		هشتم	-۸/۴۳ [°]	۱/۸۱	۰/۰۱۸
	ششم	هشتم	-۴/۴۵	۱/۷۰	۰/۰۸۵
زبان انگلیسی	دوم	چهارم	-۱/۲۶	۱/۷۵	۰/۹۱
		ششم	-۵/۹۵ [°]	۱/۶۳	۰/۰۰۶
		هشتم	-۹/۶۵ [°]	۱/۶۶	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۵/۷۵ [°]	۱/۷۷	۰/۰۱۹
		هشتم	-۵/۹۱ [°]	۱/۸۱	۰/۰۱۸
	ششم	هشتم	-۰/۱۶ [°]	۱/۷۰	۰/۹
تعهد و اخلاق حرفه‌ای	دوم	چهارم	-۰/۲۳	۱/۷۱	۰/۹۹
		ششم	-۶/۰۹ [°]	۱/۶۰	۰/۰۰۴
		هشتم	-۸/۸۸ [°]	۱/۶۴	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۵/۷۷ [°]	۱/۷۴	۰/۰۱۶
		هشتم	-۸/۵۵ [°]	۱/۷۸	۰/۰۰۱
	ششم	هشتم	-۲/۷۸	۱/۶۷	۰/۴۳
مدیریت	دوم	چهارم	-۲/۷۱	۱/۶۶	۰/۴۵
		ششم	-۹/۱۱ [°]	۱/۵۵	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۳/۸۷ [°]	۱/۵۹	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۶/۴۰ [°]	۱/۶۹	۰/۰۰۴
		هشتم	-۱۱/۱۵ [°]	۱/۷۳	۰/۰۰۱
	ششم	هشتم	-۴/۷۵ [°]	۱/۶۲	۰/۰۴۲

جدول ۶

نتایج آزمون شفه: مقایسه میانگین نمرات شایستگی کانونی سواد اطلاعاتی در دانشجویان، به تفکیک نیمسال تحصیلی

شاہستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	شاخص‌های آماری گروه‌های مقایسه (نیمسال تحصیلی)	تفاوت می‌گیرین‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
اصول نگارش و پژوهش	دوم	چهارم	-۳/۶۳	۱/۶۲	۰/۱۷۹
		ششم	-۱۰/۴۴ [°]	۱/۵۱	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۴/۷۸ [°]	۱/۵۵	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۶/۸۰ [°]	۱/۶۵	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۱/۱۵ [°]	۱/۶۸	۰/۰۰۱
		ششم	-۴/۳۴	۱/۵۸	۰/۰۶۵
دانش و مهارت‌های ارتباطی	دوم	چهارم	-۳/۶۸	۱/۵۷	۰/۱۵
		ششم	-۷/۱۵ [°]	۱/۴۷	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۱/۹۵ [°]	۱/۵۰	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۳/۴۶	۱/۶۰	۰/۲۰۶
		هشتم	-۸/۲۶ [°]	۱/۶۳	۰/۰۰۱
		هشتم	-۴/۸۰ [°]	۱/۵۳	۰/۰۲۶
فلسفه علم (مباحث نظری و پایه رشته تحصیلی خود)	دوم	چهارم	-۳/۳۲	۱/۶۶	۰/۲۷
		ششم	-۰/۸۸	۱/۵۵	۰/۹۵
		هشتم	-۸/۷۴ [°]	۱/۵۹	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۲/۴۳ [°]	۱/۶۹	۰/۵۶
		هشتم	-۵/۴۲ [°]	۱/۷۳	۰/۰۲۵
		هشتم	-۷/۸۶ [°]	۱/۶۲	۰/۰۰۱
آینده‌نگری (درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت‌گیری مثبت نسبت به آن)	دوم	چهارم	-۵/۳۶	۲/۰۱	۰/۰۷
		ششم	-۰/۵۳	۱/۸۸	۰/۹۸
		هشتم	-۸/۵۰ [°]	۱/۹۲	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۴/۸۲	۲/۰۴	۰/۱۴۵
		هشتم	-۳/۱۴	۲/۰۹	۰/۵۲
		هشتم	-۷/۹۶ [°]	۱/۹۶	۰/۰۰۲

ادامه جدول ۶

نتایج آزمون شفه: مقایسه میانگین نمرات شاہستگی کانونی سواد اطلاعاتی در دانشجویان، به تفکیک نیمسال تحصیلی

شایستگی کانونی	نیمسال تحصیلی	شاخص‌های آماری گروه‌های مقایسه (نیمسال تحصیلی)	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
کار گروهی	دوم	چهارم	-۰/۸۵	۱/۱۵	۰/۹۰
		ششم	-۸/۸۰ [°]	۱/۰۷	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۱/۹۴ [°]	۱/۱۰	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۷/۹۴ [°]	-۱/۱۷	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۱/۰۸ [°]	۱/۹۶	۰/۰۰۱
	ششم	هشتم	-۳/۱۴	۱/۱۲	۰/۰۵۷
سواد اطلاعاتی	دوم	چهارم	-۳/۷۷	۱/۴۶	۰/۰۹۳
		ششم	-۱۲/۳۹ [°]	۱/۳۶	۰/۰۰۱
		هشتم	-۱۲/۱۵ [°]	۱/۴۰	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۸/۶۲ [°]	۱/۴۹	۰/۰۰۱
		هشتم	-۸/۳۸ [°]	۱/۵۲	۰/۰۰۱
	ششم	هشتم	۰/۲۴	۱/۴۳	۰/۹۹
تفکر انتقادی	دوم	چهارم	-۱/۲۸	۳	۰/۹۸
		ششم	-۷/۹۹	۲/۸۱	۰/۰۵۱
		هشتم	-۲۳/۷۰ [°]	۲/۸۸	۰/۰۰۱
	چهارم	ششم	-۶/۷۱	۳/۰۶	۰/۱۹
		هشتم	-۲۲/۴۳ [°]	۳/۱۲	۰/۰۰۱
	ششم	هشتم	-۱۵/۷۰ [°]	۲/۹۳	۰/۰۰۱

ادامه جدول ۶

نتایج آزمون شفه: مقایسه میانگین نمرات
شایستگی کانونی سواد اطلاعاتی در
دانشجویان، به تفکیک نیمسال تحصیلی

نتیجه‌گیری

آموزش کتابداری و علم اطلاعات مقوله‌ای است که مستقیماً با پرورش شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان سروکار دارد و هنگامی که محیط‌های کاری بالقوه آتی، پیچیدگی‌ها و تنوع فعالیت‌های آنها مطرح می‌شود، تدوین الگویی از شایستگی‌ها و سنجش آن از جایگاه خاصی برخوردار می‌شود. شناسایی شایستگی‌های مورد نیاز دانشجویان، اولین گام در طراحی یک برنامه درسی مبتنی بر شایستگی است. پس از مرور گسترده متون، دوازده شایستگی به عنوان شایستگی‌های کانونی مورد نیاز دانشجویان کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات شناسایی شد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های باتلر و دومونت (۱۹۹۶)، میدلتون (۲۰۰۳)، پاتریج و هالم^{۳۱} (۲۰۰۴)، و شارع‌پور، فاضلی، و صالحی (۱۳۸۰) مطابقت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که سطح شایستگی کانونی دانشجویان نیمسال دوم در تمامی دوازده شایستگی به استثنای فناوری اطلاعات، تعهد و اخلاق حرفه‌ای، و آینده‌نگری (درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت‌گیری مثبت نسبت به آن)، کمتر از «میانگین متوسط» است. یافته‌ها حاکی از آن است که سطح شایستگی‌های کانونی در تمامی موارد، طی دوران تحصیلی ارتقا یافته و اختلاف معنی‌داری بین شایستگی‌های کانونی دانشجویان نیمسال هشتم با دوم وجود دارد. این امر مؤید اثرگذاری آموزش‌های ارائه شده توسط گروه کتابداری و علم اطلاعات دانشگاه فردوسی مشهد بر شایستگی‌های کانونی دانشجویان است.

در مورد شایستگی کانونی سواد رایانه‌ای، شاهد آنیم که دانشجویان با سطحی پایین‌تر از حد انتظار (میانگین ملاک) به دانشگاه می‌آیند و در ادامه، تحت تأثیر آموزش‌های ارائه شده به سطح مطلوبی می‌رسند، به گونه‌ای که اختلاف معنی‌داری بین دانشجویان نیمسال هشتم و دوم مشاهده می‌شود. یافته‌های چان‌لین (۲۰۰۹) مؤید یافته‌های پژوهش حاضر نبود؛ چون یافته‌های وی نشان داد هیچ تفاوت معنی‌داری در مهارت «سواد رایانه‌ای» دانشجویان سال‌های مختلف تحصیلی وجود ندارد، چرا که امروزه این مهارت جزء مهارت‌های عمومی در کتابداری و علم اطلاعات است.

از عوامل مؤثر بر رشد شایستگی‌های کانونی فناوری اطلاعات و سواد رایانه، ارائه واحدهای درسی در برنامه درسی دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات^{۳۲} است که به رشد این شایستگی‌ها کمک می‌کند: درس ۳ واحدی «واژه‌پردازی (فارسی و لاتین)»، بخشی از درس «مبانی علوم رایانه»، درس ۲ واحدی «آشنایی با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات»، درس ۲ واحدی «مبانی علوم رایانه». علاوه بر پرداختن به مباحث مطرح در شایستگی فناوری اطلاعات در واحدهای درسی مجزا با عناوین مختلف، تلفیق آن در دروس مختلف کتابداری و علم اطلاعات و در واقع پرداختن به فناوری اطلاعات به عنوان هدف مشترک، بسیاری از

31. Partridge and Hallam
۳۲. برنامه آموزشی دوره کارشناسی
کتابداری و علم اطلاعات مصوب
۱۳۸۷/۲/۳۱ شورای برنامه‌ریزی
آموزش عالی

دروس را می‌توان از علل ارتقای این شایستگی دانست.

افزایش واحدهای درسی زبان انگلیسی در دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات از نقاط قوت این دوره نسبت به سایر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی است، که سبب ارتقاء این شایستگی در دانشجویان طی دوران تحصیل و اختلاف معنی‌داری بین دانشجویان نیمسال هشتم و دوم شده است. نتایج پژوهش شارع‌پور، فاضلی، و صالحی (۱۳۸۰) بیانگر وضعیت بد دانشجویان در این شایستگی بود.

سطح شایستگی تعهد و اخلاق حرفه‌ای دانشجویان از بدو ورود به رشته، بالاتر از سطح انتظار بود و طی دوران تحصیل به رشد پیوسته خود ادامه داده است. نتایج پژوهش شارع‌پور، فاضلی و صالحی (۱۳۸۰) با پژوهش حاضر هم‌راستا بود. آنها وضعیت دانشجویان را در شایستگی «داشتن تعهد و اخلاق کار» متوسط ارزیابی کردند و ابراز داشتند که مقوله تعهد و اخلاق اکتسابی است و در سازمان نهادینه می‌شود.

علی‌رغم این‌که شایستگی «توانایی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های شخصی» جزء شایستگی‌هایی هستند که مبنایی برای خودشکوفایی فرد به حساب می‌آیند، لیکن نمره دانشجویان در بدو ورود به رشته، بسیار پایین‌تر از سطح انتظار بود، اما طی دوران تحصیل ارتقا یافته است. نتایج مطالعه شارع‌پور، فاضلی، و صالحی (۱۳۸۰) نیز مؤید این امر است. مهارت‌های نوشتن از اساسی‌ترین شایستگی‌ای است که دانشجویان بایستی قبل از فارغ‌التحصیلی فرا گیرند. یافته‌های پژوهش بیانگر ارتقای سطح این شایستگی طی دوران تحصیل بود. نتایج پژوهش منصوریان (۲۰۱۰) حاکی از آن است که شرکت‌کنندگان، اهمیت مهارت‌های نوشتاری در آینده شغلی‌شان را درک کرده‌اند و عمدتاً باور دارند که مهارت‌شان نسب به دوران قبل از دانشگاه بهبود یافته است. در حالی که یافته‌های میدلتون (۲۰۰۳) بیانگر ضعف کتابداران در حوزه پژوهش است.

سطح شایستگی دانش و مهارت‌های ارتباطی جامعه پژوهش در بدو ورود به رشته تحصیلی کمتر از «میانگین متوسط» است که طی دوران تحصیلی ارتقا یافته است. نتایج مطالعه میدلتون (۲۰۰۳) که حاکی از تسلط بالای فارغ‌التحصیلان کتابداری و علم اطلاعات در زمینه ارتباطات بود، با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. مطالعه باتلر و دومونت (۱۹۹۶) نشان داد توانایی استفاده از مهارت‌های کلامی به‌منظور ارائه سخنرانی، به‌عنوان یکی از شایستگی‌های مورد تقاضای مشترک بین کتابداران تازه‌کار و باتجربه مطرح شد. علی‌رغم اینکه تمایل کارفرمایان به استخدام کارکنان، برخوردار از مهارت‌های نرم همچون مهارت‌های گفت‌وگو است، اما هنوز هم این مهارت‌ها در مدارس کتابداری آموزش داده نمی‌شود. توانایی‌های عمومی، به‌ویژه مهارت‌های ارتباط از دیگر خواسته‌هایی بودند که فارغ‌التحصیلان جدید فاقد آن بودند.

سطح شایستگی فلسفه علم (مباحث نظری و پایه رشته تحصیلی خود) دانشجویان نیمسال دوم کمتر از «میانگین متوسط» و اختلاف معنی داری با دانشجویان نیمسال هشتم دارد. یافته‌های مطالعه منصوریان (۲۰۰۹) هم‌راستا با پژوهش حاضر است. یافته‌های وی نشان داد که در ابتدای نیمسال تحصیلی، بسیاری از دانشجویان قضاوت واقع‌بینانه‌ای از رشته تحصیلی‌شان نداشتند و درباره آینده شغلی‌شان دچار ابهام و عدم اطمینان بودند. اما در پایان نیمسال دوم و پس از به‌کارگیری شیوه یادگیری مبتنی بر پرسش^{۳۳} در تدریس دروس، دانشجویان ابراز داشتند که با موضوعات اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی و عملکردهای کتابداران در جامعه آشنا شده‌اند، و توانایی مقایسه کتابداری و علم اطلاعات با موضوعات دیگر به منظور ارزیابی خصوصیات آن به شیوه‌ای منطقی را دارند.

علاقه به رشته تحصیلی نوعی برداشت احساسی از مواجهه با یک رشته تحصیلی است (شارع‌پور، صالحی، و فاضلی، ۱۳۸۰)، اما درک مثبت از رشته تحصیلی و جهت‌گیری مثبت نسبت به آن، مقوله دیگری است که تحت تأثیر آموزش و آشنایی با مباحث نظری و پایه رشته تحصیلی و فرصت‌ها و چالش‌های آن قرار دارد. اختلاف معنی دار سطح شایستگی کانونی آینده‌نگری دانشجویان نیمسال هشتم با دوم مؤید این ادعاست. یافته‌های پژوهش دیانی (۱۳۸۱) نیز مؤید یافته‌های پژوهش حاضر است.

حضور اساتید صاحب‌نظر در حوزه سواد اطلاعاتی کشور در گروه کتابداری و علم اطلاعات مشهود و پیشروی این گروه در آموزش سواد اطلاعاتی به دانشجویان را می‌توان از علل رشد این شایستگی کانونی برشمرد. یافته‌های سیامک (۱۳۸۹) نشان هم‌راستا با پژوهش حاضر و مؤید تأثیر محیط دانشگاه بر ارتقای سطح شایستگی کانونی سواد اطلاعاتی دانشجویان بود.

شایستگی‌های کانونی کار گروهی و تفکر انتقادی از جمله شایستگی‌هایی هستند که در برنامه درسی، واحدهای درسی مشخصی به آنها اختصاص داده نشده است. شاهد آنیم که در هر دو شایستگی مورد نظر، وضعیت دانشجویان در بدو ورود به رشته، پایین‌تر از حد مطلوب بوده است. با این حال دانشجویان نیمسال هشتم از وضعیت مناسبی برخوردار بوده‌اند. نتایج پژوهش شارع‌پور، فاضلی، و صالحی (۱۳۸۰) نیز بیانگر بالا بودن نمره میانگین «قابلیت انجام کار گروهی» نسبت به نمره ملاک بود. برخی از مطالعات انجام شده (آنجفی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی و عبدلی، ۱۳۸۹) نیز میانگین نمره تفکر انتقادی دانشجویان راضعیف ارزیابی کرده‌اند. به نظر می‌رسد شالوده سیستم آموزش و یادگیری در نظام آموزش کشور در سطوح اولیه (ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان) و عالی (دانشگاه) بیشتر به افزایش و تقویت ذهنیات و حیطه دانش می‌پردازد و کمتر به تربیت، رشد قوای تفکر، نقادی و موشکافی توجه دارد. علی‌رغم موانع موجود، فرآیند آموزش عالی به‌طور نسبی در بهبود نمره تفکر انتقادی دانشجویان مؤثر بوده

است، به نحوی که نمره تفکر انتقادی دانشجویان سال آخر از سال اولی بهتر شده است. نتایج پژوهش جاویدی کلاته جعفرآبادی و عبدلی (۱۳۸۹) نیز مؤید رشد شایستگی تفکر انتقادی دانشجویان سال آخر نسبت به دانشجویان سال اول می‌باشد.

در پایان پیشنهاد می‌شود:

۱. در راستای ارتقای سطح شایستگی‌های کانونی مورد بحث، به هر یک از آنها به عنوان یک واحد درسی مجزا در دروس عمومی یا تخصصی و یا به عنوان هدف مشترک تمامی دروس، مثلاً پرداختن به مسائل اخلاقی به عنوان هدفی مشترک در تمامی دروس، پرداخته شود.

۲. توجه به شایستگی‌های کانونی در طراحی برنامه‌های درسی دوره‌های قبل از آموزش عالی با هدف پرورش این شایستگی‌ها. همانگونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد، میانگین شایستگی‌های کانونی دانشجویان در بدو ورود به آموزش عالی در سطح پایینی قرار داشته و به نظر می‌رسد ریشه این مشکل به مقاطع پایین‌تر آموزشی برمی‌گردد.

۳. طراحی برنامه درسی براساس مدل مارپیچ مضاعف می‌تواند به عنوان راهکاری برای همگامی تحولات جامعه اطلاعاتی و بقای رشته تحصیلی به کار رود. در حوزه ژنتیک پذیرفته شده که هر شخص (صرف نظر از دوقلوهای همسان) الگوی دی.ان.ای منحصر به فردی دارد. این الگو که از دو رشته مارپیچ تشکیل شده، ویژگی‌ها و کیفیت‌هایی را مشخص می‌کند که هر شخص نشان می‌دهد. پارتیج و هالم (۲۰۰۴) با الهام از الگوی واتسون و کریک، براساس تصویری از مارپیچ مضاعف دی.ان.ای انسانی، الگوی دی.ان.ای متخصص اطلاعات (تصویر ۲) را ارائه دادند. براساس این الگو، مارپیچ مضاعف یک متخصص اطلاعات از رشته‌های مکمل دانش رشته‌ای و توانایی‌های عمومی تشکیل می‌شود.

طراحی برنامه‌های درسی براساس مدل مارپیچ مضاعف می‌تواند راهکاری برای همگامی با تحولات جامعه اطلاعاتی و بقای رشته تحصیلی باشد. در این مدل دو حوزه شایستگی‌های کانونی عمومی و شایستگی‌های تخصصی رشته، با هم پیوند می‌خورند و دی.ان.ای یک متخصص کتابداری و علم اطلاعات را شکل می‌دهد.

توانایی‌های عمومی (شایستگی‌های عمومی)



دانش رشته‌ای (شایستگی‌های تخصصی)

تصویر ۲

مارپیچ مضاعف متخصص
کتابداری و علم اطلاعات

منبع

- آنجنفی، فرشته؛ و دیگران (۱۳۸۸). «مهارت تفکر انتقادی دانشجویان فنی - مهندسی و علوم انسانی». **راهنماهای آموزش**، ۲ (۱): ۱۹-۲۲.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ عبدلی، افسانه (۱۳۸۹). «روند تحول تفکر انتقادی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد». **مطالعات تربیتی و روان‌شناسی**، ۱۱ (۲): ۱۰۳-۱۲۰.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۸۸ الف). «آموزش کتابداری و علم اطلاعات در ایران: موانع و راه‌کارها». سخنرانی ارائه شده در دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- _____ (۱۳۸۸ ب). «تغییر نام و محتوای آموزشی حوزه کتابداری و علم اطلاعات براساس مفهوم هسته این حوزه و پارادایم غالب عصر حاضر: تدوین چارچوبی برای تفکر». سخنرانی ارائه شده در دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۱). «نظرها و عملکردهای تحصیلی دانشجویان رشته‌های ریاضی/تجربی و انسانی/اجتماعی در دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی». **کتابداری و اطلاع‌رسانی**، ۵ (۳): ۲۱-۴۶.
- سیامک، مرضیه (۱۳۸۹). «تأثیر محیط دانشگاهی بر سواد اطلاعاتی دانشجویان کاردانی کتابداری و اطلاع‌رسانی». **فصلنامه کتاب**، ۲۱ (۴): ۵۵-۷۱.
- شارع‌پور، محمود؛ فاضلی، محمد؛ صالحی، صادق (۱۳۸۰). «بررسی میزان شایستگی‌های کانونی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه‌های صنعتی شریف، تهران و مازندران)». **نامه علوم اجتماعی**، ۱۸ (پاییز و زمستان): ۶۳-۸۸.
- شهبازی، اسماعیل؛ علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۸۵). «واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی». **علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران**، ۲ (۱): ۱۵-۲۴.
- غیوری، زینب (۱۳۸۸). «بررسی دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص تغییر درحوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش رشته». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۷۹). «الگوی برای بازنگری و تجدید ساختار آموزش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران با توجه به تحولات جدید در محیط اطلاعاتی». **کتابداری و اطلاع‌رسانی**، ۳ (۱): ۲۱-۴۴.
- فتاحی، رحمت‌اله؛ و دیگران (۱۳۸۴). «برنامه جدید کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ گزارش یک طرح پژوهشی». **کتابداری و اطلاع‌رسانی**، ۸ (۲): ۶-۲۹.
- فیض، مهدی؛ بهادری‌نژاد، مهدی (۱۳۸۹). «الگوی شایستگی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دانشکده‌های مهندسی نظام آموزش عالی ایران (مورد پژوهشی: دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف)». **آموزش مهندسی ایران**، ۱۲ (۴۶): ۳۷-۶۸.

قلجه، مهناز؛ قلجایی، مهناز؛ مظلوم، علیرضا (۱۳۸۷). «همبستگی بین شایستگی بالینی پرستاران و رضایت بیماران از خدمات پرستاری». *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی*، ۱۸(۶۳): ۱۲-۱۹.
منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). «صد جستار بنیادی در کتابداری و اطلاع‌رسانی». *کتاب ماه (کلیات)*، ۱۳۸: ۶۴-۷۷.

- American Academy of Physician Assistants (AAPA) (1996). "Professional competence- A position paper prepared by the educational council of the American Academy of Physician Assistants". American Academy of Physician Assistants.
- Buttlar, Lois; Du Mont, Rosemary (1996). "Library and information science competency revisited". *Journal of Education for Library and Information Science*, 37(1): 44- 62.
- Chan Lin, Lin-Juan (2009). "Development of a competency questionnaire for LIS undergraduates at Fu-Jen Catholic University". *Journal of Educational Media & Library Sciences*, 47(1): 5- 17. from: <http://joemls.tku.edu.tw>.
- Cooper, S.; et al. (1998). "Competencies". from: <http://www.refa.de/INTERNATIONAL/cbt-hp.htm>.
- Draganidis, Fotis; Mentzas, Gergoris (2006). "Competency based management: A review of systems and approaches". *Information Management and Computer Security*, 14(1): 51- 64.
- Field, L.; Drysdale, D. (1991). *Training for competence: A handbook for trainers and teachers*. London: Kogan Page.
- Garavan, T.N.; McGuire, D. (2001). "Competencies and workplace learning: Some reflections on the rhetoric and the reality". *Journal of Workplace Learning*, 13(4): 144- 163.
- Hayati, Z. (2008). "Competency definition for Iranian library and information professionals in public library". *International Journal of Information Science & Technology*, 6(1): 73- 86.
- Khatri, N. (2000). "Managing human resource for competitive advantage: A study of companies in Singapore". *International Journal of Human Resource Management*, 11(2): 336- 365.
- Kirschner, P.; et al. (1997). "The design of a study environment for acquiring academic and professional competence". *Studies in Higher Education*, 22(2): 17- 151.
- Kouwenhoven, Wim (2003). "Designing for competence in Mozambique: Towards a

- competence-based curriculum for the faculty of education of the Eduardo Mondlane University". Doctoral dissertation. from: http://doc.utwente.nl/41442/1/thesis_Kouwenhoven.pdf.
- Leung, W. (2002). "Competency based medical training: Review". *BMJ*, 325: 693- 696.
- Mansourian, Y. (2009). "Evolving perceptions of LIS students about their discipline: An action research with inquiry-based learning approach". *Library Review*, 59(3): 185- 197.
- _____ (2010). "A qualitative case study on LIS students' writing skills". *Informology*, 8(3): 171-189.
- McClelland, D. (1973). "Testing for competence rather than for intelligence". *American Psychologist*, 28: 1-14.
- McKeown, CE. (1998). "Managerial effectiveness: The identification of need". *Manag Educ Dev*, 14(2): 122- 137.
- Middleton, Michael (2003). "Skills expectations of library graduates". *New Library World*, 104 (1184-1185): 42-56. from: <http://www.emeraldinsight.com/0307-4803.html>.
- Mulder, M. (2001). "Competence development - some background thoughts". *International Journal of Agricultural Education and Extension*, 7(4): 147-159.
- Partridge, Helen; Hallam, Gillian (2004). "The Double Helix: A personal account of the discovery of the structure of [the Information Professional's] DNA". Paper presented at ALIA 2004.
- Prahalad, C.K.; Hamel, G. (1990). "The core competence of the corporation". *Harvard Business Review*, 68(3): 79-91.
- Selznick, P. (1957). *Leadership in administration: A sociological interpretation*. New York, NY.: Row, Peterson and Company.
- Stout, Betty; Smith, Joanna (1986). "Competency-based education: A review of the movement and a look to the future". *JVHEE*, 4(2): 109- 134.

استناد به این مقاله:

حیدری، غلامرضا؛ و دیگران (۱۳۹۲). «تأثیر آموزش عالی بر شایستگی های کانونی دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات: مورد پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد». *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۴ (۱): ۳۰-۵۰.

